

The social political role of the press in the process of modernization and changes of the constitutional period with the approach of analyzing the content of Sorasrafil newspaper reports¹

Ramin Rasoulov¹, Karamatullah Rasikh³, Alireza Biaban nvard⁴
(DOI): [10.22034/SKH.2023.14696.1360](https://doi.org/10.22034/SKH.2023.14696.1360)

Abstract

Original Article

P 120 - 136

In determining and explaining the political and social direction of the newly established constitutional system, Sourasrafil newspaper had a special reading and was influenced by the ideology of modernization and developments. What was the understanding of the writers of this newspaper about the ideology of modernization and transformations and how did they combine it with Islam and Iranian traditions? According to the writings of Sorasrafil newspaper, it can be said that the process of modernization and changes in the form of national government is based on political and social vision. Sourasrafil newspaper emphasizes on components such as people's sovereignty and rule, independence, freedom and legal equality of individuals and assumes the realization of these issues as a necessary condition for the transition to the process of modernization and transformations. In addition, socialism has been mentioned as the ultimate goal and horizon of this political system, which will be realized little by little by reforming the existing situation. This newspaper, with a desire to put an end to religion and a new perception of religion in the form of a monotheistic worldview, has combined socialism with a monotheistic vision and made it the theoretical and philosophical basis of its reading. Although the evidence shows that this integration has not been able to establish a natural connection between these aspects and build a new discourse, but this effort can be mentioned as the starting point of the thought of creating a discourse in the process of modernization and transformations in Iran.

Keywords: Surasrafil, constitutionalism, press, social political role, modernization.

1 - This article is taken from the doctoral dissertation of the first author in the field of communication with the title "The social political role of the press in the process of modernization and changes of the constitutional period with the approach of analyzing the content of the newspapers Rooh Al-Quds, Surasrafil and Mosavat".

2 - Ph.D student of communication, Islamic Azad University, Shiraz branch, Shiraz, Iran (raminrasulf9@gmail.com).

3 - Associate Professor of Sociology, Jahrom branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran (corresponding author) (krasekh@gmail.com)

4 - Assistant Professor of Political Science, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran (bhya1979@gmail.com)

Received: 2022/09/01 | Accepted: 2022/11/11



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در فرایند نوسازی و تحولات دوره مشروطیت با رویکرد تحلیل محتوای گزارش‌های روزنامه صوراسرافیل^۱ رامین رسول اف^۲، کرامت الله راستخ (نویسنده مسئول)^۳، علی رضا بیابان‌نورد^۴

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2023.14696.1360](https://doi.org/10.22034/SKH.2023.14696.1360)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

روزنامه صوراسرافیل در تعیین و تبیین جهت‌گیری سیاسی و اجتماعی نظام تازه‌تأسیس مشروطه، خوانشی ویژه و متأثر از ایدئولوژی نوسازی و تحولات داشته است. فهم نویسندگان این روزنامه از ایدئولوژی نوسازی و تحولات چه بود و چگونه آن را با دین اسلام و سنت‌های ایرانی تلفیق کردند؟ بنابر نگاه‌های روزنامه صوراسرافیل می‌توان گفت که فرایند نوسازی و تحولات در شکل حکومت ملی، بر بینشی سیاسی و اجتماعی استوار است. روزنامه صوراسرافیل بر مؤلفه‌هایی، نظیر حاکمیت و حکومت مردم، استقلال، آزادی و تساوی حقوقی افراد تأکید دارد و تحقق این امور را شرط لازم برای گذار به فرایند نوسازی و تحولات فرض می‌کند. افزون بر این، از سوسیالیسم به عنوان هدف و افق نهایی این نظام سیاسی یاد شده است که کم‌کم و با اصلاح وضع موجود محقق خواهد شد. این روزنامه با تأسی به امر خاتمیت و دریافت تازه از دین در شکل جهان‌بینی توحیدی، سوسیالیسم را با بینش توحیدی ترکیب کرده و آن را مبنای نظری و فلسفی خوانش خود قرار داده است. اگرچه شواهد نشان می‌دهد این تلفیق نتوانسته است ارتباط طبیعی بین این وجوه برقرار سازد و گفتمان تازه‌ای را بنا کند، اما می‌توان از این تلاش برای نقطه آغاز اندیشه ایجاد گفتمان در فرایند نوسازی و تحولات در ایران یاد کرد.

کلیدواژه‌ها: صوراسرافیل، مشروطیت، مطبوعات، نقش سیاسی اجتماعی، نوسازی.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته ارتباطات با عنوان «نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در فرایند نوسازی و تحولات دوره مشروطیت با رویکرد تحلیل محتوای روزنامه‌های روح‌القدس، صوراسرافیل و مساوات» است.

۲ - دانشجوی دکتری گروه علوم ارتباطات، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (ramin257@yahoo.com)

۳ - دانشیار جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران (نویسنده مسئول). (krasekh@gmail.com)

۴ - استادیار علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (bhya1979@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰



۱- مقدمه و بیان مسأله

وظیفه مطبوعات شکل دادن به افکار عمومی، هدایت و جهت‌دهی مردم، تصویرسازی ذهنی و قالبی در مردم، اطلاع‌رسانی و خبررسانی، بالا بردن آگاهی جامعه و کمک کردن به آنها در سازمان‌دهی اوقات فراغت است. (مولانا، ۱۳۵۸: ۱۱۱-۱۲۹) (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۱۰۳-۱۱۵) (خانیک، ۱۳۸۱: ۲۶-۴۰) مطبوعات، همزمان با آغاز عصر جدید در تاریخ بشر رواج یافته و بر تغییر ساختار حوزه عمومی در جوامع مغرب‌زمین اثر بنیادی گذاشته است. (هابرماس^۱، ۱۳۹۲: ۲۴-۵۸) مطبوعات در واقع پاسخی به نیازهای محافل ادبی با عنوان «کانون‌های مطالعاتی»^۲ بود که از اواخر قرن هجدهم کم‌کم در جوامع اروپایی شکل گرفتند. مطبوعات به شکل‌های گوناگون پیش از این تاریخ وجود داشت؛ اما با تشکیل این محافل رونق یافت و به عصر جدید وارد شد؛ به طوری که بسیاری به خواندن روزنامه «معتاد» شدند. بنابراین مطبوعات با وجود این محافل نه فقط رونق پیدا کرد، بلکه نقش سیاسی و اجتماعی پیدا کرد. (هابرماس، ۱۳۹۲: ۱۰۵-۱۹۳)

از دیدگاه پیر آلبر^۳ و فرناندو ترو^۴، چهار گروه از عوامل، بر این تحول نقش تعیین‌کننده داشتند: الف) عوامل سیاسی و اجتماعی، مانند پیشرفت پارلمان‌تاریسم، وسعت و افزایش زمینه‌های انتخاباتی و اساساً توجه وسیع عموم به امور سیاسی، تعمیم آموزش و رشد شهرنشینی؛

ب) عوامل اقتصادی، مثل صنعتی شدن روش‌های تولید و تهیه مطبوعات؛

ج) عوامل فنی، از قبیل تحول در فن‌های صنعت چاپ، حمل‌ونقل، دریافت و انتقال اطلاعات، تولد خبرگزاری‌ها و آژانس‌های خبری. (آلبروترو^۵، ۱۳۶۴: ۵۳-۹۶) (معمد نژاد، ۱۳۷۰: ۱۶۰-۱۷۰) آشنایی ایرانیان با مطبوعات از اوایل قرن نوزدهم و با آشنایی و تماس آنها با جوامع غربی آغاز شد. میرزا صالح شیرازی، که در دهه دوم قرن نوزدهم برای تحصیل به انگلستان سفر کرد، در آنجا صنعت چاپ را آموخت تا مسیب تأسیس نخستین روزنامه ایرانی شود. او ناچار شد نزدیک دو دهه منتظر چنین فرصتی باشد تا برای نخستین بار در دهه چهارم قرن نوزدهم در عصر محمدشاه قاجار (۲۸ دی ۱۲۸۵ - ۲۵ تیر ۱۲۸۸)، روزنامه‌ای منتشر کند. (راسخ، ۱۳۹۸: ۶۷-۹۳) اهمیت مطبوعات در ربع آخر قرن نوزدهم افزایش یافت. در این دوران روزنامه‌های ملی و مستقل زیادی

¹ -Habermas

² -reading societies

³ -Pierre Albert

⁴ -Fernando Trou

⁵ - Alberotro

توسط روشن‌فکران انقلابی عمدتاً در خارج کشور چاپ شدند. این‌گونه روزنامه‌ها، از قبیل «قانون»، «عروه‌الوثقی» و «حبل‌المتین» درگیر مبارزه سیاسی با دربار قاجار شدند. این چالش و رویارویی سرانجام به تأسیس مجلس قانون‌گذاری و به رسمیت شناخته شدن آزادی‌ها، همچون آزادی مطبوعات توسط قانون منجر شد. (مولانا، ۱۳۵۸: ۹۴-۱۴۸) (بشیر، ۱۳۸۸: ۱۸۰) با پیروزی انقلاب مشروطیت، نقش اجتماعی و سیاسی مطبوعات افزایش یافت. روزنامه صوراسرافیل همراه روح‌القدس و مساوات میان روزنامه‌های انقلابی و مخالف، نقش آگاهی‌دهنده و روشنگر ایفا کردند. بنابراین ما در این تحقیق درصدد پاسخ به پرسش اساسی زیر هستیم:

تأثیر روزنامه صوراسرافیل از ایدئولوژی نوسازی و تحولات به چه میزان بود و چگونه آن را با دین اسلام و سنت‌های ایرانی تلفیق کرد؟

۲- پیشینه پژوهش

- قربانی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با موضوع «بررسی اندیشه‌های اجتماعی در مطبوعات دینی عصر مشروطیت و پهلوی اول» تا حدودی به این موضوع پرداخت. براساس یافته‌های پژوهش، گردانندگان مطبوعات دینی به دو گروه تقسیم شده و در دو جریان فکری قرار گرفتند. عده‌ای سعی کردند برخی از این مؤلفه‌ها را با دین اسلام تطبیق دهند و در این زمینه مقاله‌های گوناگونی منتشر کردند. مجله الاسلام مازندرانی لاریجانی، که خود از اعضای هیأت اتحاد اسلام رشت بود، نمونه برجسته این دسته است. گروه دوم، همچون نشریه جریده اسلامی، نمایندگان فکری مکتبی بودند که برابر ورود اندیشه جدید ایستادگی کردند و مفاهیمی، همچون آزادی را مغایر با اسلام دانستند. در عصر پهلوی اول با وجود حاکمیت مطلق رضا شاه، برخی مطبوعات دینی همچون دعوت اسلامی و الاسلام با نفی کامل برخی از این اندیشه‌ها، روش سلبی در پیش گرفتند.

- رحیمیان، گنابادی، حسینی، (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با موضوع «انقلاب مشروطه و مروری بر روزنامه‌ها و مطبوعات در آن دوره» روی تأسیس چاپخانه و انتشار روزنامه‌ها و مطبوعات تمرکز کرده‌اند. در این راستا نخست به طور خلاصه به انقلاب مشروطه پرداخته شده است، سپس دو عامل نخست از بین عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن، یعنی تأسیس چاپخانه و انتشار روزنامه‌ها و مطبوعات، بررسی شده‌اند. در این مسیر روزنامه‌های مهم و مؤثر معرفی و بررسی شده‌اند. این روزنامه‌ها و مقالات سهم بسزایی در شکل‌گیری نهضت مشروطه بر عهده داشتند. از انتشار اولین روزنامه در سال ۱۲۱۲ قمری تا پیروزی نهضت بیش از هشتاد نشریه در ایران به چاپ رسید. در این مدت،

مطبوعات به زبان مردم نزدیک‌تر شدند و بیشتر بیانگر عقاید و آرای سیاسی و اجتماعی بودند. همچنین چندین نمونه از این دست روزنامه‌ها، که نقش زیادی در افشاگری و روشنگری اذهان عمومی داشتند، از جمله روزنامه‌های «اختر»، «قانون»، «حکمت»، «ثریا»، «پرویش» و «حبل المتین» بحث و بررسی شدند.

- زنجانی‌زاده، باغدار دلگشا (۱۳۹۴) مقاله‌ای با موضوع «بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه» به شیوه اسنادی و به روش تحلیل محتوا نوشته‌اند. پرداختن به این دوره به دلیل حضور فعال اجتماعی زنان برای نخستین بار به شکل شبه‌صنفی اهمیت دارد؛ دوره‌ای که زنان به مطرح کردن درخواست‌های اجتماعی خود می‌پردازند و در این بین ایجاد مدرسه برای دختران از اصلی‌ترین درخواست‌های آنان است. این تحقیق به ثمر رسیدن تلاش اجتماعی و احقاق حقوق اجتماعی زنان را نشان می‌دهد.

- نجفی (۱۳۹۱) مقاله‌ای با موضوع «ضرورت شناخت تاریخ سیاسی عصر مشروطیت و تفاوت سطح تحلیل رسائل و مطبوعات عتبات عالیات با تاریخ‌نگاری مدرن عصر پهلوی» دارد. این مقاله، با معرفی گوشه‌ای از آثار و مقایسه آن با برخی تاریخ‌نگاری‌های مدرن مشروطه، درصدد است به قسمتی از این تحریف‌ها بپردازد. نقد این ناراستی‌ها می‌تواند به‌نوعی اصول شناخت تاریخ سیاسی ایران را در ابعاد گوناگون برای ما بازگو کند. به نظر می‌رسد هرچه از عمر مشروطیت ایران می‌گذرد و از طرف دیگر هرچه مباحث عمیق‌تری در انقلاب اسلامی معاصر پیش می‌آید، می‌توانیم با مقایسه جریان‌شناسی و اندیشه‌ی این دو حلقه تاریخی به شناخت بهتری از تاریخ سیاسی ایران دست یابیم.

- کتیری و باقری (۱۳۹۰) مقاله‌ای با موضوع «زبان زنان، نشریه‌ای متفاوت در عرصه روزنامه‌نگاری زنان عصر مشروطه» نوشته است. در این نوشتار کوشیده است تا پس از مقدمه‌ای کوتاه درباره حضور زنان در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی به نقش روزنامه‌ها و مطبوعات دوران مشروطه در ارتقای آگاهی زنان اشاره شود و فعالیت‌های آنان در عرصه مطبوعات آن زمان بررسی شود. سپس به بررسی و شرح روزنامه و مجله زبان زنان می‌پردازد و ضمن توضیح دوره‌های مختلف چاپ آن محتوای مطالب در آن را بر می‌رسد و می‌کوشد تا این‌گونه قسمت‌های ناگفته تاریخ مطبوعات و بخشی از فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی صدیقه دولت‌آبادی بیان شود.

بررسی پژوهش‌های مختلف در حیطه نقش سیاسی-اجتماعی مطبوعات در فرایند نوسازی و تحولات در دوره مشروطه نشان‌دهنده لزوم بررسی‌های بیشتر در این حوزه است. مطالعات محدود

انجام شده در این زمینه به‌ویژه در داخل کشور، نبود راهکار مناسب، که فرایند نوسازی و تحولات را برای آن دوره زمانی نشان دهد، احساس می‌شود. این موضوع هم به عنوان خلاء پژوهشی و هم به عنوان نبود راهکاری عملی و مناسب منطبق با فرهنگ و شرایط موجود شناسایی شد و هدف اصلی این پژوهش قرار گرفت.

۳- چارچوب نظری تحقیق

۳-۱- روزنامه صوراسرافیل

صوراسرافیل، مهم‌ترین، اثرگذارترین و پرشمارگان‌ترین روزنامه ایران در دوره مشروطه اول است که میرزا قاسم خان تبریزی، میرزا جهانگیرخان شیرازی (صوراسرافیل) و میرزا علی‌اکبر خان قزوینی معروف به دهخدا آن را منتشر کرده‌اند. جمعاً ۳۲ شماره از این روزنامه در ایران چاپ شده که نخستین شماره در تاریخ هفدهم ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ قمری و آخرین شماره آن، سه روز پیش از به توپ بستن مجلس شورای ملی در تاریخ بیستم جمادی‌الاول ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. داشتن قلمی توانا و متعهد بودن به رسالت روزنامه‌نگاری را می‌توان نزد میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا علی‌اکبر دهخدا به خوبی درک کرد؛ به گونه‌ای که این ویژگی‌ها را از همان عبارت درج‌شده در زیر سرلوحه نشریه می‌توان دید. آن عبارت این است:

«هفتگی [،] سیاسی [،] تاریخی [،] اخلاقی [،] مقالات و لویحی که موافقت با مسلک ما داشته باشد با امضا پذیرفته می‌شود و در طبع و عدم طبع [،] اداره مختار است. پاکت‌های بدون تمبر قبول نخواهد شد.»

در سرلوحه روزنامه، تصویر فرشته آزادی است که در حال دمیدن در صور است و گروه انبوهی او را به یکدیگر نشان می‌دهند. در داخل سرلوحه، اسم روزنامه (صوراسرافیل) به خط نسخ درشت و کلمات (حریت، مساوات و اخوت) با خط ریز نوشته شده است. (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۳۰) صوراسرافیل با شمارگان پنج هزار نسخه، مردمی‌ترین نشریه ایرانی در آغاز تشکیل مجلس بود. شمارگان این روزنامه تا ۲۴ هزار نسخه (باری‌یر، ۱۳۶۳: ۳۸) نیز گزارش شده است. اما مهم‌تر از فروش، شدت و دایره نفوذ آن میان مردم است. صوراسرافیل در مکان‌های عمومی، مثل قهوه‌خانه‌ها برای بی‌سوادان خوانده می‌شد و در برخی مناطق کشور بهترین سوغاتی به شمار می‌آمد (دردیان، ۱۳۷۸: ۱۳۸) و توسط برخی تهی‌دستان برای ثواب خریداری می‌شد. (دبیرسیاکی، ۱۳۶۴: ۳۳۰) صوراسرافیل از وضع موجود کشور و نظام سیاسی به شدت انتقاد می‌کرد و بی‌محابا از

ظلم ستمگران مستبد سخن می‌گفت. سرنوشت ناگوار میرزا جهانگیرخان به هنگام دستگیری و شکنجه شدن توسط عمال استبداد، همانند شیخ احمد تربتی، نشانگر میزان زیاد کینه و نفرت شاه، درباریان و عوامل وابسته به استبداد از وجود چنین روزنامه‌نگاران عدالت‌خواه، مشروطه‌طلب و آزادی‌خواه است. (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۳۰)

۳-۲- نقش سیاسی اجتماعی روزنامه صوراسرافیل در فرایند نوسازی و تحولات دوره مشروطیت

روزنامه صوراسرافیل جامعه را چون انسانی فرض کرده است که دوره‌های تکامل را یکی پس از دیگری طی کرده و اکنون که به دوران بلوغ رسیده و توان اداره زندگانی خویشتن را به دست آورده است، خواهان استرداد حقوق طبیعی خود است. (درودیان، ۱۳۸۴) از این رو به مشروطه کردن مملکت و ایجاد مجلس شورای ملی به عنوان دوره «رهایی» از ذلت و رقیبت، نکبت و فترت، خوف و وحشت و مملوک این و آن بودن و رسیدن به دوره سعادت و ترقی، که در آن زبان و قلم در مصالح امور ملک و ملت آزاد و جرابید و مطبوعات برای انتشار نیک و بد مملکت حریت می‌یافتند، می‌نگریست؛ (دولت‌آبادی، ۱۳۸۱) به عبارت دیگر این بلوغ اجتماعی جامعه ایران و به تعبیری این «آدم شدن»، که معادل حکم اسلامی «بدالله مع الجماعه» ذکر شده، به عنوان پایه و بنیان و اساس ترقی معرفی شده است. تحقق این امر در استقرار نظام مشروطه تجلی یافته است (سلیمانی، ۱۳۸۸) تا زیر چتر آن حقوق طبیعی بشر به ملت بازگردانده شود. بشر در مسیر ترقی خود، این حقوق طبیعی را تدوین کرده و بعدها نیز به وسیله انبیا امضا شده و احکام الهی خوانده شده است؛ حقوقی که اکنون با مداومت بر اضداد فراموش شده و وضعی را پیش آورده که حاصل زحمت برزگر، حق ثابت ارباب و ملت بنده هوی هوس شخصی و ثروت مملکت سرمایه شهوترانی رئیس الوزرا شده است. (سیف، ۱۳۸۲)

حق حاکمیت و حکومت در این تفسیر از حقوق طبیعی مهم است که تا پیش از بلوغ اجتماعی به دیگران واگذار شده بود و اکنون باید به صاحب اصلی‌اش، یعنی مردم، مسترد شود. با تأسی به همین برداشت، از میان اشکال مختلف حکومت، به نظام مشروطه به عنوان نظم تازه‌ای که جایگزین نظم کهنه شده و در مسیر ترقی و اعمال حق حاکمیت و حکومت مردم حرکت می‌کند، توجه دارد. (کسروی، ۱۳۹۰)

شیوه اعمال حق حاکمیت و حکومت مردم در نظام مشروطه نیز در شکل دموکراسی پارلمانی-نماینده‌گری اجرا می‌شد. نمایندگانی که با حضور در مجلس قوانین مربوط به اداره مملکت را وضع می-

کنند تا قوه مجریه که انتصاب آنها نیز با رأی و تأیید نمایندگان مردم خواهد بود، این قوانین را به طور مساوات در حق همه احاد مملکت اجرا کنند. این نقش مردم در تعیین مجریان شامل همه متصدیان امور اداره کشور حتی مقام سلطنت نیز می‌شد؛ چراکه به باور دهخدا و گردانندگان صوراسرافیل امتیاز سلطنت نیز به اجماع اختیاری مردم بر اطاعت از یک تن محدود شده و در زمره قراردادهای بومیه قرار گرفته است؛ به عبارتی حق سلطنت امتیازی تلقی شده است که نه تنها قابل استرداد یا قابل انتقال به دیگری است، بلکه در مواقعی نیز وجود آن غیر لازم است. (سلیمانی، ۱۳۸۸)

در این نظام مشروطه وظیفه مردم تنها به انتخاب مستقیم نمایندگان و انتصاب غیرمستقیم کارگزاران قوه مجریه محدود نمانده است. به زعم وی هر یک از احاد جامعه در صورت شایستگی و کسب اعتماد مردم یا نمایندگانشان می‌توانست در نظام مشروطه مسئولیتی را در اداره امور جامعه عهده‌دار شود؛ به عبارتی در این نظم تازه دیگر همچون نظم کهنه «وزارت ارثی نیست و وزیر همیشه منحصر به خانواده‌های مخصوص نیست و ممکن است از احاد و افراد اهالی مملکت انتخاب شود. (درودیان، ۱۳۸۴) گذشته از این، ملت حق اعتراض دارند و مجموعه حاکمیت برابر آنها مسئول و پاسخگو است. مکاتبات بین فرمانفرما و روزنامه صوراسرافیل، درباره موضوع تظلم‌خواهی مردم کرمان، گواه همین باور است: «...ملت نه فقط بر حضرت والا بلکه بر همان وکلای محترم و وزرای دولت و همان میدادی عالی‌ه که نمی‌دانم معنیش چیست قانوناً حق اعتراض دارند». (درودیان، ۱۳۸۴).

تحقق نظام مشروطه مورد نظر گردانندگان روزنامه صوراسرافیل تجسم یک حکومت ملی برای حفظ استقلال ملی بوده است. دهخدا که از فشار دولت‌های استعماری انگلیس و روس آگاهی داشت و این نفوذ کمی پیش از تصویب متمم قانون اساسی در قالب معاهده ۱۹۰۷ به بار نشسته بود، به موضوع حکومت ملی و استقلال ملی توجه ویژه‌ای داشت. به زعم وی استقلال ملی اساس نظام مشروطه تلقی شده که تنها از رهگذر قطع سلطه استعمار و استعمار خارجی (روس و انگلیس) محقق می‌شد. به عبارت روشن‌تر، به زعم دهخدا، نهضت مشروطه نهضتی با ماهیت استقلال طلب و ضد استثماری بوده است که برای جلوگیری از واگذاری امتیاز به روس و انگلیس بنا شده بود. به همین منظور بارها در خلال نوشته‌هایش، دخالت کشورهای خارجی و همراهی خائنان داخلی با آنها را در خیانت به وطن سرزنش کرده است. این سرزنش گاهی تا جایی پیش می‌رود که عاملان حکومتی نظام موجود را وابسته به دولت‌های خارجی قلمداد می‌کند. (دولت آبادی، ۱۳۸۱)

در این منظومه نظری نکته بسیار مهم این است که به رغم همه تکریمی که روزنامه صوراسرافیل از نظام مشروطه دارد، با این حال تحقق و تثبیت آن را تنها مقدمه و مبنای گذار به دوره‌ای می‌داند

که به نام دوره «سعادت و ترقی» معرفی شده است. گویاست که رسیدن به آزادی سیاسی و برقراری حکومت ملی در شکل دموکراسی یا حکومت مردم همه آن چیزی نبود که منظور نظر گردانندگان صوراسرافیل بوده باشد. آنها از مشروطه و دست‌آورد اولیه آن در شکل آزادی، به عنوان مقدمه و مرحله گذار برای نیل به دوره‌ای دیگر تحت عنوان دوره «سعادت» و «ترقی» یاد کردند که برای افراد جامعه سعادت، برابری، برادری و مساوات را به ارمغان می‌آورد و «معنای مشروطه» را تکمیل می‌کرد.

گزارش‌های این روزنامه نشان می‌دهد که رویه برقراری پیوند میان مفاهیم و صور دوره مدرنیته غرب با مفاهیم و قواعد دین اسلام درباره مؤلفه‌های دیگر نظیر آزادی و قانون را تکرار می‌کند. به-زعم آن گزارش‌ها آزادی یا حریت از ثمرات دوره‌هایی است که انسان برای طی فرایند نوسازی و تحولات جامعه به آن نیازمند است. از همین رو با تحلیل وضع موجود بیان می‌کند که بشر اکنون در مسیر نوسازی و تحولات خود روی به سوی معبود دارد. ازاین‌رو برای طی این راه و رسیدن بشر به «ناحیه قدس و علم نامتناهی الهی» تنها «واگذارن انسان به خود او» کافی است. (درودیان، ۱۳۸۴) با تأسی به همین برداشت وضع موجود را که در آن استبداد جسمانی و روحانی اختیار انسان را به گروگان گرفته، طی فرایند نوسازی را بر او مسدود ساخته و انسان را از درجه انسانیت تنزل و در ردیف اسباب و اشیا و حیوانات قرار داده و انتقاد می‌کند و از رؤسای «روحانی و جسمانی» جامعه می‌خواهد که حق «مختار بودن» انسان را به او واگذارند (سلیمانی، ۱۳۸۸)

بنا به آنچه گفته شد، گردانندگان روزنامه صوراسرافیل با اطلاع از بیان‌های سنتی موجود و درک شرایط سیاسی و اجتماعی، و با بهره‌گیری از زمینه‌های فکری موجود همچون مخالفان و موافقان مشروطه بر وجود وضعیت بغرنج و گرفتاری‌ها و مصایب زمانه خود مهر تأیید زده و ضرورت پذیرش اندیشه‌های جدید تمدن غربی و بازگشت به آموزه‌های قرآنی و اسلام اصیل را به عنوان راهکار عبور طرح کردند. نگاه مثبت به تحولات دوره مدرن غرب و تلاش در برقراری پیوند میان آموزه‌های اصیل اسلامی و صور مدرنیته نقطه مهم اندیشه این روزنامه است. آنها کوشیدند تا از خلال مفاهیم و صور مدرنیته به تفسیر آموزه‌های قرآنی و دینی بپردازند. از همین رو به دموکراسی و آزادی به عنوان برآورده‌های تمدن غربی توجه کرده و آن را در پیوند با دین قرار می‌دهند تا مورد پذیرش جامعه قرار گیرند. این دموکراسی در شکل حکومت ملی، بر بینشی سیاسی و اجتماعی استوار است. او بر مؤلفه‌هایی نظیر حاکمیت و حکومت مردم، استقلال، آزادی و تساوی حقوقی افراد تأکید می‌کند و تحقق این امور را شرط لازم برای گذار به دوره ترقی فرض می‌کند. (کسروی، ۱۳۹۰)

۴- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، تحلیل محتواست. از دیدگاه برنارد برلسون، (۱۹۱۲-۱۹۷۹) پژوهشگر معروف آمریکایی، تحلیل محتوا یک روش پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و مقداری محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود. (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۲۸۵) در دوره حیات روزنامه صوراسرافیل، جمعاً ۳۲ شماره از این روزنامه منتشر شده که با در نظر گرفتن شاخص‌های لازم برای تشخیص گزارش از سایر سبک‌های روزنامه‌نگاری، تعداد نه گزارش در دوره حیات این روزنامه بوده است. با توجه به اینکه گزارش در روزنامه‌های دوره مشروطه به شیوه امروزی هنوز مرسوم نبود، برای تشخیص تفاوت گزارش از سایر اشکال روزنامه‌نگاری، شاخص‌های زیر در نظر گرفته شده است: بیان چگونگی وقوع حوادث و رویدادها برای آگاهی خوانندگان از رویدادی خاص و تکمیل اطلاعات آنها. در این پژوهش سه تقسیم‌بندی شامل ساختار موضوعی، ساختار اهداف و جهت انتقادی برای تحلیل محتوای گزارش‌های روزنامه صوراسرافیل در نظر گرفته شده است. در این تحقیق سعی شده که محتوای متون گزارش‌های روزنامه مذکور، که نشان‌دهنده ماهیت روزنامه‌نگاری صوراسرافیل است، ارزیابی شود. خصوصیت این شیوه تحقیقی آن است که می‌توان به کمک آن برداشت نسبتاً واقع‌بینانه‌ای از متون قدیمی به دست آورد و محتوای متون متنوع در زمان‌های قدیم را بررسی، و به خصوصیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... آن روزگاران پی برد. برای تحلیل محتوای گزارش‌های روزنامه صوراسرافیل، نخست همه گزارش‌ها در دوره حیات مطبوعاتی این نشریه بررسی شد. در این ارزیابی نخست فراوانی موضوع گزارش‌ها و سپس ساختار اهداف گزارش‌ها و پس از آن جهت‌گیری انتقادی گزارش‌های روزنامه مذکور محاسبه و تحلیل شد.

۹- یافته‌های تحقیق درباره روزنامه صوراسرافیل

از تاریخ ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵ تا ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هجری قمری - ۹ خرداد ۱۲۸۶ تا ۳۰ خرداد ۱۲۸۷ - ۳- مه ۱۹۰۷ تا ۲۰ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی، در کمتر از یک سال تعداد ۳۲ شماره از روزنامه صوراسرافیل منتشر شده است.

جدول (۱). توزیع فراوانی ساختار موضوعی گزارش‌های صوراسرافیل

ردیف	ساختار موضوعی گزارش‌های صوراسرافیل	تعداد	فراوانی
۱	سیاسی	۸	۸۹٪
۲	اجتماعی	۱	۱۱٪
	جمع کل	۹	۱۰۰٪

جدول (۲). توزیع فراوانی ساختار اهداف گزارش‌های صوراسرافیل

ردیف	ساختار اهداف گزارش‌های صوراسرافیل	تعداد	فراوانی
۱	نقد نظام سیاسی	۷	۷۸٪
۲	آگاهی افکار عمومی	۲	۲۲٪
	جمع کل	۹	۱۰۰٪

جدول (۳). توزیع فراوانی جهت‌گیری گزارش‌های صوراسرافیل

ردیف	جهت‌گیری گزارش‌های صوراسرافیل	تعداد	درصد
۱	انتقادی	۷	۷۸٪
۲	خنثی (بی‌طرف)	-	-
۳	ایجاد حالت مشارکت	۲	۲۲٪
	جمع کل	۹	۱۰۰٪

نتیجه‌گیری

بیشتر گزارش‌های روزنامه صوراسرافیل در چارچوب مشروطه‌خواهی بوده است و مضمون عمده گزارشات مخالفت با خودکامگی، استبداد جسمانی و روحانی، پشتیبانی از حقوق مردم، مسئولیت قوه مجریه برابر مجلس، تفکیک قوای سه‌گانه و نقد چیرگی اشراف و اعیان و زمین‌داران بر جامعه بوده است. در تشریح این امور به بحث‌های نظری و فلسفه سیاسی فیلسوفان سده هجدهم اروپا و مکتب قرارداد اجتماعی توجه داشته است. با این حال روح و بینش حاکم بر گردانندگان روزنامه صوراسرافیل به سوسیالیسم گرایش دارد. بیشتر این گزارش‌ها در سویه دموکراتیک به حکومتی ملی، سیاسی و اجتماعی و مؤلفه‌هایی نظیر استقلال، آزادی و تساوی حقوقی افراد توجه دارد و تحقق این امور را شرط لازم برای گذار به دوره نوسازی و تحولات فرض کرده است. از نقش سیاسی و اجتماعی نیز به عنوان چشم‌انداز و حاصل این دوره نوسازی و تحولات یاد می‌کند که کم‌کم و با اصلاح وضع موجود قابل تحقق خواهد بود. در تشریح این وجه به امر اصلاحات اجتماعی به‌ویژه برنامه تقسیم زمین، توجه شده است. از این‌رو با ارائه تحلیل طبقاتی از جامعه و استناد به توفیق سوسیالیسم با اصول شریعت اسلامی و کمی تعداد سرمایه‌داران، ایران را مستعد گذار به دوره نوسازی و تحولات دانسته است. سپس با تأسی به امر خاتمیت و دریافتی تازه از دین در شکل جهان‌بینی توحیدی، از مذهب به مثابه پشتوانه نظری و فلسفی خود کمک می‌گیرد. تا بدین صورت امکان توفیق اصول شریعت با مقتضیات دوره زیسته خود را فراهم کند؛ چنان‌که میان صور، مفاهیم و برآورده‌های تمدن غرب و احکام و قواعد مذهب اسلام پیوند برقرار کرده و برای نمونه هر مسلمان حقیقی را یک سوسیالیست معرفی می‌کند. به نظر میرسد، این گزارش‌ها مبتنی بر ترکیب و تلفیق این سه وجه است. این وجوه را در نسبت با چشم‌انداز و آرمان روزنامه، یعنی دوره نوسازی و تحولات، سعادت و پیشرفت، تبیین و تعریف کرده است.

اگرچه شواهد نشان می‌دهد، این تلفیق نتوانسته است ارتباط طبیعی و ارگانیکی بین وجوه مذکور برقرار سازد و گفتمان تازه‌ای را پایه‌ریزی کند، اما می‌توان از این تلاش به عنوان نقطه آغازین اندیشه ایجاد گفتمان نوسازی و تحولات ملی و مذهبی یاد کرد که در دوره‌های بعد بر جنبش‌هایی نظیر جنبش جنگل، جنبش خیابانی و جریان‌هایی نظیر جریان نوسازی و تحولات و روشنفکران مذهبی اثر گذاشت.

یافته‌های این تحقیق طبق جدول (۱) نشان می‌دهد که در روزنامه صوراسرافیل تعداد نُه گزارش به چاپ رسیده است که بیش‌ترین حجم این گزارش‌ها، یعنی ۸۹ درصد آن به موضوع

سیاسی پرداخته شده است. با بررسی دومین جدول این پژوهش می‌توان اظهار داشت که نقد نظام سیاسی بیش‌ترین حجم را به خود اختصاص داده است؛ یعنی ۷۸ درصد، هدف مورد بحث گزارش‌های این روزنامه بوده است. با توجه به جدول شماره ۳ می‌توان نتیجه گرفت که بیش‌ترین سهم جهت‌گیری‌های گزارش‌های صوراسرافیل، انتقاد از وضع موجود مملکت است که ۷۸ درصد را به خود اختصاص داده است و ایجاد حالت مشارکت، که بیشتر شامل آگاهی افکار عمومی است، فقط ۲۲ درصد را به خود اختصاص داده است.

می‌توان گفت روزگار مشروطیت یا روزگار مشروطیت اول، که از پیروزی این نهضت شروع می‌شود و با کودتای محمدعلی شاه قاجار فرجام می‌یابد، با دیگر دوره‌های عصر قاجار تفاوت‌های اساسی دارد. پیروزی مشروطیت سیمای ایران را برای همیشه دگرگون ساخت. برقراری مجلس قانون‌گذاری و وزیدن نسیم آزادی، بزرگ‌ترین ثمرات آن بود. از این رو این موقعیت برای بالیدن و رشد مطبوعات آزاد و غیر وابسته بسیار مفید بود. در شرایطی این‌گونه، روزنامه صوراسرافیل پدیدار شد و با بهره بردن از فرصت به دست آمده و با بیان اندیشه‌های آزادی‌خواهانه خود، شخص محمدعلی شاه، درباریان فاسد و عوامل وابسته به استبداد را مورد نقدهای آتشین قرار داد. پیروزی انقلاب مشروطه، افزون بر اینکه آزادی را همراه داشت، راه را برای روزنامه‌نگاران و روشنفکران ایرانی باز کرد تا افکار و نظرات خود را درباره نهادینه ساختن آزادی و مردم‌سالاری در کشور بیان کنند و برنامه‌های مختلفی را برای اصلاح امور مملکت و نوسازی و ترقی آینده کشور ارائه کنند. بنابراین وجه تفاوت عمده بین این دوره و دیگر دوره‌های قاجار، افزون بر برقراری آزادی بیشتر و حاکمیت نظام مشروطه، همانا شکوفایی افکار و اندیشه‌ها و افزایش مشارکت عقیدتی، سیاسی و فرهنگی مردم بود. (بشیر، ۱۳۷۹: ۲۲۸)

منابع

۱. آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۹)؛ *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی
۲. آلبر، پیر و فرناند ترو (۱۳۶۴)، *تاریخ مطبوعات جهان*، ترجمه هوشنگ خجسته فر، تهران، انتشارات پاسارگاد.
۳. باری یر، ج (۱۳۶۳)، *اقتصاد ایران*، تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی ایران.
۴. بدیعی، نعیم (۱۳۷۷)، «تحلیل محتوای ۱۰ روزنامه تهران»، رسانه، شماره ۳۳، سال ۹، شماره اول، ۲۲-۳۳.
۵. براون، ادوارد (۱۳۸۶)؛ *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ترجمه محمد عباسی، تهران: نشر علم.
۶. بروجرودی علوی، مهدخت (۱۳۷۹)، *مطبوعات، روشنفکران و جامعه- بررسی نقش عوامل سیاسی، اجتماعی در حضور نخبگان در مطبوعات*. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۷. بشیر، حسن (۱۳۸۸)؛ *نقش مطبوعات در فرایند نوسازی سیاسی و اجتماعی ایران در دوره قاجاریه*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۸. بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، *غیرسازی در نشریات حزبی. رسانه، سال ۱۱، شماره ۲*، ۲۲-۳۳.
۹. پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷)؛ *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۰. تیموری، الهه (۱۳۸۰)، پایان‌نامه «بررسی تحلیل محتوای پوشش رسانه‌ای بحران افغانستان در روزنامه‌های جمهوری اسلامی، حیات، نو، نوروز، ۲۱ شهریور تا ۳۱ آذر ۱۳۸۰»، دانشکده علوم ارتباطات، گرایش روزنامه‌نگاری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

۱۱. ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۷۵)؛ *مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. حاجیلری، عبدالرضا (۱۳۷۶)، *بررسی تطبیقی ارزشهای اجتماعی مردم ایران در مطبوعات ایران در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۷۵*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۱۳. خانیکی، هادی (۱۳۸۱)؛ *قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات*، تهران: انتشارات طرح نو.
۱۴. دبیر سیاقی، سید محمد (۱۳۶۴)، *مقالات دهخدا*، تهران: انتشارات تیرازه.
۱۵. درودیان، ولی الله (۱۳۷۸)، *دخوی نایبغه*، تهران، گل آقا.
۱۶. راسخ، کرامت اله (بهار و تابستان، ۱۳۹۸)، «میرزا صالح شیرازی و سنت گرایی بازتابی»، *مطالعات ایرانی* (دانشگاه کرمان)، شماره ۳۵، ۶۷-۹۳.
۱۷. رسول اف، رامین و راسخ، کرامت الله (۱۳۹۷)، «نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در انقلاب مشروطیت با رویکرد تحلیل محتوای سرمقاله‌های روزنامه‌های روح‌القدس و صوراسرافیل»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال چهاردهم، شماره ۵۰.
۱۸. ساروخانی، باقر (۱۳۹۱)؛ *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۹. صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳)؛ *تاریخ جراید و مجلات ایران*. (ج ۲)، اصفهان: انتشارات کمال.
۲۰. فدائی، غلامرضا (۱۳۸۷)، *روزنامه مجلس*، اولین روزنامه ملی دوران مشروطیت. گنجینه اسناد، شماره ۱۸، ۳۵-۵۰.
۲۱. قائدی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵)، «روش تحلیل محتوا، از کمی گرایی تا کیفی گرایی»، *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال هفتم، شماره بیست و سوم.
۲۲. قاضی‌زاده، علی‌اکبر (۱۳۷۹)؛ *جان‌باختگان روزنامه‌نگار*، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
۲۳. قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۴)؛ *نوسازی سیاسی در عصر مشروطه ایران*، تهران، نشر اختران.

۲۴. کریپندورف، کلوز (۱۳۸۳)؛ *تحلیل محتوا*، ترجمه: هوشنگ نائبی، تهران، نشر نی.
۲۵. کسروی، احمد (۱۳۵۷)؛ *تاریخ مشروطه ایران*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
۲۶. کهن، گوئل (۱۳۶۲)؛ *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*، (ج ۲)، تهران: انتشارات آگاه.
۲۷. لرنر، دانیل (۱۳۸۳)؛ *گذر جامعه سنتی*، ترجمه: غلام رضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۸. محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵)؛ *انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۹. محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵)؛ *بررسی مقایسه‌ای ارزشهای القاشده در سرمقاله‌های روزنامه‌های مشروطیت و روزنامه‌های ابتدای انقلاب اسلامی*. رساله دکتری، دانشگاه امام صادق (ع). تهران.
۳۰. معتمد نژاد، کاظم (۲۵۳۶)؛ *روش تحقیق در محتوای مطبوعات*، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
۳۱. معتمد نژاد، کاظم (۱۳۷۰)، «سلطه ارتباطی و اطلاعاتی غرب»، *رسانه*، سال ۷، شماره ۵، ۱۲-۲۵.
۳۲. معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۶)؛ *وسایل ارتباط جمعی*، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۳. ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳)؛ *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، نشر سخن.
۳۴. مولانا، حمید (۱۳۵۸)؛ *سیر ارتباطات اجتماعی در ایران*، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
۳۵. مهرداد، هرمز (۱۳۸۰)، *نظریات و مفاهیم ارتباطات جمعی*، تهران: انتشارات فاران.
۳۶. هابرماس، یورگن (۱۳۹۲)؛ *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی*، ترجمه: جمال محمدی، تهران، نشر افکار.
۳۷. یزدانی، سهراب (۱۳۸۶)؛ *صوراسرافیل، نامه آزادی*، تهران، نشر نی.

۳۸. قربانی، حسینعلی (۱۴۰۱)، بررسی اندیشه‌های اجتماعی در مطبوعات دینی عصر مشروطیت و پهلوی اول، پژوهش در تاریخ، دوره ۱۲، شماره ۱، صفحه ۲۳-۴۹.
۳۹. رحیمیان، هرمز و پروین گنابادی، بهرام و حسینی، فرزانه، (۱۳۹۵)، انقلاب مشروطه و مروری بر روزنامه‌ها و مطبوعات در آن دوره، کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات، مشهد.
۴۰. زنجانی زاده، هما، باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۴)، بررسی جامعه‌شناختی روزنامه نگاری زنان در عصر مشروطه، مسائل اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۱.
۴۱. نجفی، موسی (۱۳۹۱)، ضرورت شناخت تاریخ سیاسی عصر مشروطیت تفاوت سطح تحلیل رسائل و مطبوعات عتبات عالیات با تاریخ نگاری مدرن عصر پهلوی، جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۳، شماره ۲.
۴۲. کثیری، مسعود؛ باقری، الهه (۱۳۹۰)، زبان زنان، نشریه‌ای متفاوت در عرصه روزنامه نگاری زنان عصر مشروطه، سخن تاریخ، شماره ۱۳.
۴۳. درودیان، ولی‌الله (۱۳۸۴)، *دهخدا، شاعر*، تهران، امیرکبیر.
۴۴. دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۸۱)، *حیات یحیی*، ج ۳، تهران، انتشارات عطار-فردوسی.
۴۵. سلیمانی، بلقیس (۱۳۸۸)، *همینوا با مرغ سحر (زندگی و شعر دهخدا)*، تهران، نشر ثالث.
۴۶. سیف، احمد (۱۳۸۲)، در انکار خودکامگی؛ چند مقاله درباره دهخدا، چاپ اول، تهران، نشر رسانش.
۴۷. سروی، احمد (۱۳۹۰)، *تاریخ مشروطه/ایران*، تهران، انتشارات امیرکبیر.

ب: روزنامه‌ها

۴۸. روزنامه صوراسرافیل (تهران ۱۳۲۵-۱۳۲۶ هجری قمری) از شماره ۱ تا ۳۲.